

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲ Scopus

صص ۹۶-۱۳۰

## چالش‌های پیش‌روی بازدارندگی ایران در خاورمیانه: از اتحاد تا سیاست منطقه خاکستری

معصومه انصاری‌فرد - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.  
دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی\* - دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸

DOR:20.1001.1.17354331.1402.19.69.4.5

### چکیده

با سیطره ایالات متحده آمریکا بر نظم نوین جهانی، منطقه خاورمیانه به یکی از کانون‌های اصلی اعمال استراتژی بازدارندگی ایالات متحده آمریکا در دفاع از متحدانش در برابر ایران تبدیل گردید. جمهوری اسلامی ایران نیز در پاسخ به تهدیدات آمریکا و متحدانش و با وجود فشارهای ناشی از محیط منطقه‌ای و محیط بین‌الملل، در صدد ایجاد استراتژی امنیتی-دفاعی جامعی در قالب بازدارندگی برآمده است. مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش بوده است که «محیط متحول منطقه‌ای و بین‌المللی چگونه بر استراتژی بازدارندگی ایران در برابر آمریکا و متحدانش تاثیر گذاشته است؟». آزمون فرضیه با روش قیاسی-تبیینی و تحلیل داده‌های اسنادی نشان می‌دهد که چگونه معضلات اتحاد در منطقه خاورمیانه زمینه‌ساز گرایش ایران به اتحاد با روسیه و چین که در حال اجرای سیاست منطقه خاکستری در تقابل با آمریکا هستند، شده است. این موارد با بازتولید ابهام و بی‌ثباتی سبب چالش در بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: ایران، آمریکا، بازدارندگی، اتحاد، منطقه خاکستری.

## ۱. مقدمه

با فروپاشی شوروی و سیطره ایالات متحده آمریکا بر نظم نوین جهانی، منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت خاص ژئوپلیتیکی آن به یکی از بسترهای اصلی مداخلات خارجی و به ویژه کانون اصلی اعمال استراتژی بازدارندگی ایالات متحده آمریکا تبدیل گشت. بازدارندگی که در نظام دوقطبی و با پیدایش سلاح‌های هسته‌ای در روابط دو ابرقدرت مطرح شده بود با فروپاشی ساختار دوقطبی از یک سو توسط کشورهای کوچک و از سوی دیگر نیز به عنوان استراتژی هژمون در مناطق آشوب با ابزارهای مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و ... اعمال گردید. در همین زمان، اتحاد و موازنه‌سازی به عنصری اساسی در بازدارندگی نوین به ویژه بازدارندگی آمریکا در منطقه خاورمیانه تبدیل شده است. بر اساس اسناد راهبردی منتشر شده آمریکا (۲۰۱۱)، خاورمیانه یکی از مناطق اصلی جغرافیایی موجد تهدید برای منافع آمریکا و متحدان منطقه‌ای آمریکا است و در این منطقه، باید در قبال جمهوری اسلامی ایران سیاست بازدارندگی صورت پذیرد (Jamshidi, 2012:5). همچنین، استراتژی امنیت ملی ایالات متحده (NSS) منتشر شده در دسامبر ۲۰۱۷، و استراتژی دفاع ملی منتشر شده در مارس ۲۰۱۸ بر این بازدارندگی تأکید دارد (Tulak, 2019). با توجه به رقابت استراتژیک بین آمریکا، چین و روسیه شبکه ژئوپلیتیک خاورمیانه تبدیل به صحنه عملیات شده است که در این میان آمریکا نقش مهمی را در این صحنه برعهده دارد (Ghasemi, 2010:28). در این میان، جمهوری اسلامی ایران نیز در پاسخ به تهدیدات آمریکا و متحدانش درصدد اعمال استراتژی امنیتی-دفاعی جامعی در قالب بازدارندگی برآمده است. بر این اساس، برنامه‌ها و شعارهای مختلفی مبنی بر توانمندسازی دفاعی در قالب بازدارندگی مطرح گردید؛ به گونه‌ای که ادبیات استراتژیک و همچنین مواضع رهبری، روسای جمهور، وزیران دفاع، دبیران شورای عالی امنیت ملی، مقامات نظامی و ... بر بازدارندگی تأکید دارد. از زمان پایان جنگ عراق و ایران، جمهوری اسلامی ایران چند برنامه توسعه را طراحی کرده که در این برنامه‌ها به بازدارندگی اشاره شده است (از جمله در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه و برنامه پنج ساله پنجم). این در حالی است که شرایط محیط منطقه‌ای خاورمیانه و همچنین وضعیت محیط بین‌الملل با فشارهایی که بر محیط ملی

ایران وارد می‌کند اعمال بازدارندگی ایران را در برابر اقدامات بازدارنده آمریکا و متحدانش پیچیده کرده است. با عنایت به آنچه گفته شد، مقاله حاضر با هدف رسیدن به درک جامعی از تهدیدات و چالش‌های بازدارندگی ایران در برابر آمریکا و متحدانش در شرایط بازدارندگی نوین به این سوال می‌پردازد که «محیط متحول منطقه‌ای و بین‌المللی چه تاثیری بر استراتژی بازدارندگی ایران در برابر آمریکا و متحدانش در خاورمیانه دارد؟». در پاسخ به سوال اصلی، این فرضیه مطرح می‌شود: «معضلات اتحاد در منطقه متحول خاورمیانه زمینه ساز گرایش ایران به اتحاد با روسیه و چین که در حال اجرای سیاست منطقه خاکستری در تقابل با آمریکا هستند، شده است. این موارد با بازتولید ابهام و بی‌ثباتی سبب چالش در بازدارندگی ایران در خاورمیانه می‌شوند».

## ۲. پیشینه پژوهش

با جستجو در آثار مربوط به "بازدارندگی در خاورمیانه" به منابعی در مورد بازدارندگی ایران و متحدانش، ایالات متحده آمریکا و متحدان منطقه‌ای آمریکا روبرو می‌شویم. هر دسته از این منابع یکی از این بازیگران را برجسته کرده و به چالش‌ها و راهکارهای آن پرداخته است. منابع مربوط به ایران با محورهای موضوعی از جمله: تهدیدات و فرصت‌های نظامی بازدارنده ایران در رابطه با فعالیت ایران در سوریه، عراق، لبنان، یمن (Ahmadian, 2019; Watling, 2019; Rauschenbach, 2020; Mcinnis, 2016)، بررسی جایگاه حزب‌الله لبنان در تقویت عمق استراتژیک و بالا بردن قدرت بازدارندگی غیرمستقیم منطقه‌ای ایران و شکست بازدارندگی اسرائیل (Golshani and Bagheri, 2012; Bagheri and Yazdani, 2018)، فعالیت‌های بازدارنده ایران در مقابل با پایگاه‌های نظامی آمریکا، اسرائیل و عربستان در کشورهای همسایه ایران (Nouri Fard, 2007; Bagheri, 2013; Eftekhari and Bagheri, 2010; Katzman, 2020; Maher, 2019) ترسیم مدل بازدارندگی ایران با توجه به توانمندی‌های نظامی - موشکی و ایجاد شبکه‌ای از متحدان ایران (Abbasi and et al., 2016; Ghasemi, 2007 and 2012; Gholami, 2004) حضور مستقیم و گسترده نظامی آمریکا در مناطق پیرامونی ایران و تشدید تحریم‌ها به منظور بازدارندگی ایران در منطقه (Soltaniehnejad, 2013)، تهدیدات بازدارنده

آمریکا، عربستان و اسرائیل برای ایران در منطقه و ناچار بودن ایران به تقویت توان نظامی خود (Adami and keshavarz, 2014).

دسته دیگر تمرکز خود را بر چالش‌های بازدارندگی آمریکا و متحدان آن با تمرکز بر این محورها قرار داده‌اند: تهدیدات موشکی ایران برای متحدان آمریکا در خلیج فارس (Evron, 2008; Evron, 2012; Karp, 2001)، معضل امنیتی عربستان سعودی و ایران در بازدارندگی (Bolan, 2019)، نگرانی اسرائیل از ایران با پیوند دادن مسئله هسته‌ای با امنیت وجودی خود، چالش‌های بازدارندگی اسرائیل در برابر بازیگران غیردولتی و جریان مقاومت در خاورمیانه (Barzegar and Ghasemi, 2013; Iqbal, 2003; Rezapour and Osalo, 2019)، لزوم توجه آمریکا به جنبه‌های غیرنظامی بازدارندگی و توجه به تفاوت ارزش اهداف کشورها در بازدارندگی (Rühle, 2015)، تقویت توان بازدارندگی آمریکا با کمک شرکای خود شامل تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و فعالیت‌های نظامی متعارف در منطقه به ویژه خلیج فارس (Davis and et al, 2020; Tertrais, 2009; Tulak, 2019)، به کارگیری ابزارهای سیاسی و نظامی آمریکا برای اعتباربخشی به تهدیدات بازدارنده خود؛ در شرایطی که روسیه تلاش دارد در فضای بین جنگ و صلح آمریکا را تضعیف کند (Schadlow, 2014)، پرهزینه شدن استراتژی بازدارندگی نوین آمریکا با وجود رقابت قدرت‌های بزرگ و فعالیت بازیگران سرکش غیردولتی (Talbot, 2020; Pilat, 2009)، تاثیر ارتباط روسیه و چین با ایران بر ایجاد ماریپچ‌های بی‌ثباتی و احتمال افزایش جنگ به دلیل سوءبرداشت هنگام استفاده ایران و آمریکا از قدرت بازدارنده در مورد متحدان منطقه‌ای خود (Hicks, 2017).

آثار مذکور با بررسی اسناد مختلف و یا مصاحبه با کارشناسان نظامی و سیاسی، اطلاعات مفیدی در مورد بازدارندگی در خاورمیانه ارائه می‌دهند، اما آنطور که تمرکز موضوعی آنها نشان می‌دهد تقریباً تمامی این آثار بازدارندگی را در روابط بین دو یا چند کشور با تاکید بر توانمندی‌های نظامی آنها بررسی کرده‌اند. این در حالی است که در نظام به هم پیوسته، درک جامع از ابعاد مختلف استراتژی بازدارندگی با توجه به تحولات بازدارندگی، توجه همزمان به ابعاد مختلف قدرت و وضعیت سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را طلب می‌کند.

### ۳. روش تحقیق

این مقاله سعی دارد تا تعامل هم‌افزای چالش‌های ناشی از محیط منطقه‌ای و الزامات بین‌المللی برای بازدارندگی جمهوری اسلامی را با تحلیل داده‌های اسنادی و منابع موجود بررسی کند. برای بررسی این فرضیه از روش قیاسی-تبیینی استفاده می‌شود. طبق این روش در ابتدا سعی شده است مهم‌ترین پویاها و مفهومی متاثر از سیاست منطقه خاکستری متناسب با آزمون فرضیه مقاله، مورد واکاوی قرار گیرد. سپس بازدارندگی ایران و آمریکا در خاورمیانه شرح داده می‌شود. سرانجام متناسب با تحولات بازدارندگی و مدلولات چارچوب مفهومی مقاله، چالش‌های متاثر از وضعیت اتحادها (نبود اتحاد منسجم در منطقه) و مداخله خارجی روسیه و چین در قالب سیاست منطقه خاکستری (سطح بین‌الملل) برای سه اصل بازدارندگی ایران شامل اصل شفافیت ارتباط، اعتبار تهدید و عقلانیت بازدارندگی تجزیه و تحلیل می‌گردد.

### ۴. چارچوب مفهومی: منطقه خاکستری (Gray Zone)

منطقه خاکستری نوعی درگیری بین جنگ و صلح است. فرهنگ لغت کمبریج منطقه خاکستری را چنین تعریف می‌کند: فعالیت‌های زیان‌آور یک کشور علیه کشور دیگر که گاهی اوقات به عنوان اقدام جنگی در نظر گرفته می‌شود، اما از نظر حقوقی اقدام جنگی نیست. رویکردهای منطقه خاکستری نشان‌دهنده نوعی تعارض و اجبار تحت پوشش بوده که از بین بردن این پوشش می‌تواند به مبارزه یا مجازات با زور منجر شود. ویژگی اصلی تعارض در منطقه خاکستری این است که رقابت و منازعه به هدف اصلاح نظام بین‌المللی نه از بین بردن آن، صورت می‌گیرد. هم‌چنین منطقه خاکستری از نظر ماهیت، تدریجی و اجباری است و از ابزارهای غیرمتعارف مانند حملات سایبری، تبلیغات و جنگ سیاسی، اجبار اقتصادی و کارشکنی، حمایت مالی از مبارزان نیابتی مسلح و توسعه‌طلبی خزننده، استفاده می‌شود (Mazarr, 2015:4). این شیوه‌ها غالباً با اطلاعات نادرست و فریب پوشیده می‌شوند که ختنی کردن آن‌ها دشوار است (Brands, 2016:1).

استراتژی‌های منطقه خاکستری "ژئوپلیتیک چریکی" هم‌نامیده شده است زیرا رویکردی است که ضعفا در برابر اقویا استفاده می‌کنند (Brands, 2016:4). در این میان، مجریان منطقه خاکستری

می‌توانند از دو طریق از قابلیت‌های نامتقارن برای دستیابی به اهداف خود استفاده کنند. اول، کشورها می‌توانند عناصری از وضع موجود را که دشمن رقیب متعهد به حفظ آن است، به چالش بکشند. دوم، کشورها می‌توانند به حوزه‌ها یا سطوحی از درگیری ورود پیدا کنند که به نفع خود آنها باشد و از مواردی که به نفع دشمن است اجتناب کنند. یک دولت ممکن است با استفاده از مزیت نامتقارن در یک سطح یا یک حوزه خاص از درگیری، به دنبال کنترل درگیری باشد (Green and et al, 2017:31). علاوه بر این، مجریان منطقه خاکستری نسبت به مخالفان خود به نوعی هم قوی هستند و هم ضعیف. این ترکیب زمینه ژئوپلیتیکی متمایزی را ایجاد می‌کند که در آن از چنین راهبردهایی استفاده می‌شود. این دولت‌ها غالباً دارای تسلط نظامی محلی هستند. البته افزایش سیاست منطقه خاکستری نشانه روندهای بزرگتر در سیاست جهانی هم می‌باشد (Brands, 2016:4). به طوری که در نظام بین‌الملل به دلیل نامتقارن بودن قدرت هژمون و رقابیش، رقبا سعی می‌کنند از درگیری شدید و به هم زدن نظم کلی پرهیز کرده و به دنبال تغییرات محدودتری باشند. به عبارت دیگر، رقبا به دنبال تغییر سیستمی نیستند بلکه اهداف خود را در همان نظم کلی نظام بین‌الملل جستجو می‌کنند. همچنین، «مجریان منطقه خاکستری به دلیل عدم احساس قدرت کافی در پذیرش هزینه‌ها و خطرات، به پرخاشگری مبهم متوسل می‌شوند. آنها ترجیح می‌دهند از هزینه‌های اخلاقی، دیپلماتیک و سیاسی مرتبط با تهاجم آشکار نظامی جلوگیری کنند» (Brands, 2016:1).

باید دانست استراتژی منطقه خاکستری با دیپلماسی تهاجمی و خشونت نامتقارن مانند تروریسم و شورش متفاوت است. «منطقه خاکستری دارای رقابت شدید سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی است که ماهیت آن از دیپلماسی تهاجمی تر است، اما در عین حال کم‌شدت‌تر از جنگ متعارف است» (Votel and et al, 2016:2). منطقه خاکستری اهداف سیاسی را از طریق کارزارهای حساب شده و یکپارچه برای دستیابی به اهداف خاص و اغلب بلند پروازانه البته به گونه‌ای تدریجی دنبال می‌کند. این استراتژی بیشتر شبیه درگیری‌های نظامی است تا دیپلماسی، اما از ابزارهای غیرنظامی استفاده می‌کند و به جنگ منجر نمی‌شود (Mazarr, 2015). به طور کلی، در درگیری منطقه خاکستری، دولت‌ها، گروه‌ها و مبارزان سعی می‌کنند اهداف خود را تأمین

کنند در حالی که دامنه و مقیاس واقعی جنگ را به حداقل می‌رسانند (Elkus, 2015). استراتژی منطقه خاکستری معمولاً در صورت تحقق دو شرط مورد استفاده قرار می‌گیرد. اول، یک چالشگر بخواهد برخی از عناصر وضع موجود را تغییر دهد. دوم، تصور چالشگر این است که در صورت کشیده شدن منازعه به سطوح بالاتر، حریف دارای برتری می‌باشد. شرط اول منافع متضاد و تمایل چالشگر برای تغییر برخی از عناصر وضع موجود را مشخص می‌کند. شرط دوم میل چالشگر را برای جلوگیری از نزدیک شدن به آستانه‌های تشدید مشخص می‌کند. نتیجه این است که ثبات در یک سطح بالاتر از درگیری باعث ایجاد چالش در سطح پایین‌تری از درگیری می‌شود (پارادوکس ثبات/ بی‌ثباتی) (Green and et al, 2017: 6-7).

دو تحول سبب شده است که دولت‌ها از منطقه خاکستری بهره‌گیرند: ۱. سلاح‌های هسته‌ای و وابستگی متقابل اقتصادی (تجارت و بازارهای جهانی) سبب بیزاری بی‌سابقه‌ای از جنگ‌های بزرگ شده است و ۲. دولت‌ها ابزارهای گسترده‌تری برای دستیابی به نتایج قطعی‌تر در سیاست منطقه خاکستری در اختیار دارند از جمله حملات سایبری (Mazarr, 2015: 3-4). البته از دیدگاهی رویکرد منطقه خاکستری مانند حکایت قورباغه در حال جوش در نظر گرفته می‌شود که موضوع جدیدی در سیاست جهانی و روابط دولت‌ها نیست؛ اگر قورباغه در آب سرد که به آرامی گرم می‌شود نگهداری شود، سرانجام با گذشت زمان پخته می‌شود. با این حال، اگر آب سریع گرم شود، قورباغه بیرون می‌زند و خود را نجات می‌دهد. این مورد در تئوری بازی و چانه‌زنی هم استفاده می‌شود. توماس شلینگ استراتژیست و اقتصاددان نظامی نیز توصیه کرد که استراتژیست در حالی که فشار بر حریف را افزایش می‌دهد، برای جلوگیری از مقابله به مثل باید از آستانه مستقیم تنش با حریف دور بماند. شلینگ این روش را تکان دادن قایق نامید که در آن استراتژیست به طور مداوم اوضاع را بی‌ثبات کرده و حریف را مجبور به تسلیم می‌کند تا هر دو بتوانند از درگیری که هیچ‌یک نمی‌خواهند، جلوگیری کنند (Adam Elkus, 2015). به طور خلاصه سیاست منطقه خاکستری را می‌توان در قالب جدول زیر نشان داد.

جدول (۱): سیاست منطقه خاکستری

<p>۱. افزایش انگیزه برای به چالش کشیدن وضعیت موجود و یا فلج کردن و فرسایش نظم بین‌المللی با اقدامات مبهم. در این شرایط:</p> <p>یا رهبران دولت خود را قدرتمندتر از آنچه که در واقعیت است، درک می‌کنند و یا معتقد هستند که وضع موجود اخیراً علیه آنها تغییر کرده و نمی‌توانند به روش متعارف به اهداف خود برسند (Mearsheimer, 2014).</p> <p>۲. استراتژی منطقه خاکستری "ژئوپلیتیک چریکی" (استراتژی ضعیف‌ترها در برابر قوی‌ترها) و یا "جنگ‌های سایه‌ای" نامیده شده است. اینها یک "منطقه خاکستری" بین مفاهیم سنتی جنگ و صلح را تشکیل می‌دهند.</p> <p>۳. هدف اصلاح سیستم بین‌المللی است نه اینکه آن را نابود کنند، این ماهیت تدریجی و اجباری این استراتژی است (Brands, 2016). در اینجا کشورها به دنبال تغییر توزیع قدرت هستند نه نابودی سیستم.</p>	<p>دلایل استفاده از استراتژی منطقه خاکستری</p>
<p>۱. ادامه درگیری‌ها و رقابت‌های بزرگ در مقایسه‌های کوچک‌تر و اعزام نیروها و نمایندگان به روشی فریبنده و گیج کننده، بدون افزایش سرعت در هزینه‌های آشکار جنگ و بدون عبور از خطوط قرمز تعیین شده (Connell and Evans, 2015).</p> <p>۲. استفاده از تاکتیک‌های غیرمتعارف همراه با فریب، حملات سایبری، تبلیغات و جنگ سیاسی، زورگویی اقتصادی و کارشکنی، حمایت مالی از مبارزان نیابتی مسلح، و توسعه طلبی‌های خزنده.</p> <p>۳. آغاز کنندگان درگیری‌های منطقه خاکستری غالباً دارای تسلط نظامی محلی هستند. بنابراین می‌خواهند درگیری را به صورت محلی و در حوزه‌های محدودتر و مبهم کنترل کرده و بازدارندگی اعمال کنند (Lanoszka, 2016; Mazarr, 2015).</p> <p>۴. متجاوزان با سیاست منطقه خاکستری و رویکرد salami slicing تمایل دارند یک مدافع را در معضل قرار داده و برای پاسخگویی تضعیف کنند: مدافع نمی‌تواند به هر تخلف کوچکی پاسخ دهد و اگر مجازات تخلفات جزئی را شروع نکند، موقعیت استراتژیک آن به مرور فرسایش می‌یابد (Mazarr, 2018: 35).</p>	<p>ویژگی استراتژی منطقه خاکستری</p>
<p>*اقدامات تهاجمی روسیه در اوکراین و خاورمیانه (Barno and Bensahel, 2015), جنگ‌های داخلی در عراق و سوریه و تروریسم بوکو حرام در نیجریه (2017; Green and et al. 2015), رقابت چین و روسیه با آمریکا (Wright, 2011; Mazarr, 2018).</p> <p>*رهبران چین و روسیه خود را تجدیدنظرطلب نمی‌دانند، بلکه به دنبال بازیابی سطح قدرت و نفوذ در ملت‌های خود هستند: ملت‌هایی که همیشه به دنبال خواسته تاریخی قدرت جهانی خود بوده‌اند (wright, 2015).</p> <p>روسیه و چین در خاورمیانه با این سیاست به دنبال استفاده از مزیت نسبی قدرت خود برای خاتمه دادن به نفوذ آمریکا هستند زیرا با قدرت آمریکا در ابعاد نظامی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نهادسازی بین‌المللی نمی‌توانند وارد جنگ آشکار با آمریکا شوند (Cerulli, 2019; Rozsa, 2020).</p>	<p>نمونه‌های Gray Zone</p>



با توجه به موارد مذکور می‌توان رفتار روسیه و چین را در منطقه خاورمیانه، نمونه‌ای از به کارگیری سیاست منطقه خاکستری دانست. در ادامه بر مبنای چارچوب مفهومی مقاله، نشان داده می‌شود که چگونه چنین رقابتی بین هژمون و رقبایش در سطح جهانی - با بازتولید ابهام و بی‌نظمی - سبب ایجاد مسائل کلانی در خاورمیانه شده و در نتیجه باعث چالش در استراتژی‌های مختلف از جمله استراتژی بازدارندگی ایران در خاورمیانه می‌گردد. بدیهی است که تاثیر این وضعیت بر بازدارندگی ایران در پیوند با وضعیت محیط منطقه‌ای خاورمیانه قرار دارد که در بخش تجزیه و تحلیل چگونگی این ارتباط به طور دقیق شرح داده می‌شود.

### ۵. یافته‌های تحقیق

#### ۵-۱. ژئوپلیتیک خاورمیانه و رقابت خارجی در قالب سیاست منطقه خاکستری

منطقه‌ی خاورمیانه را می‌توان در مرحله‌ی کنونی از منظر رقابت بین قدرت‌های بزرگ از مهم‌ترین مناطق جهان تلقی کرد. در حالیکه در دوره‌ی جنگ سرد رقابت اصلی بین دو ابرقدرت عمدتاً بر اروپا استوار بود، آمریکا پس از جنگ سرد از همه امکانات خود بهره برده است تا خاورمیانه را به حوزه‌ی نفوذ انحصاری خود تبدیل نماید. خاورمیانه با داشتن منابع غنی انرژی از یک سو و موقعیت خاص ژئوپلیتیک از سوی دیگر، حوزه‌ی منفعتی غیرقابل اغماض، برای قدرت‌های بزرگ محسوب می‌شود (Mottaghi and et al, 2012:3). موقعیت خاص ارتباطی و انرژی در خاورمیانه، کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال و نیز تکنولوژی و ابزارهای تولید، همچنین فرآوری، انتقال و مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی و منطقه‌ای و به چالش کشیدن رقبا در عرصه بین‌المللی اعتبار ویژه‌ای به انرژی و موضوع ژئوپلیتیکی آن داده است (Golafrouz, 2015:10). از این نظر، مهم‌ترین مسئله در این منطقه رقابت قدرت‌های بزرگ و مداخله‌گر برای کسب امتیازات اقتصادی و سیاسی بیشتر از موقعیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومی در خاورمیانه است. با این وضعیت، طرح هر گونه استراتژی امنیتی - دفاعی به خصوص در مورد ایران بدون در نظر گرفتن حضور و حتی تداوم حضور این کشورها در منطقه خاورمیانه طرحی به دور از واقع بینی بوده و سرنوشتی محتوم به شکست خواهد داشت. ایران در منطقه‌ای قرار دارد که در مباحث ژئوپلیتیک عنوان "کمر بند شکننده" را دارد. کمر بند شکننده

به مناطق استراتژیکی گفته می‌شود که به لحاظ داخلی عمیقاً دچار اختلاف و دو دستگی بوده و در رقابت میان قدرت‌های بزرگ حوزه‌های ژئواستراتژیک گرفتار شده‌اند. منطقه خاورمیانه در وضعیت کنونی با تعریف کمر بند شکننده کوهن انطباق دارد. از یک سو اختلاف‌ها و بحران‌های داخلی را درون خود دارد؛ و از سوی دیگر دچار رقابت میان قدرت‌های بزرگ شده است (Mahdian and Fakhri, 2013: 15). در این رقابت، نیاز چند قطب اقتصادی از جمله ایالات متحده، اتحادیه اروپا، ژاپن، چین و حتی هند به منابع خاورمیانه قطعی است. منافع آنها در جهت جلوگیری از کنترل منابع منطقه به دست قدرت‌های رقیب، و به ویژه صحنه‌ای که ایران در دو حوزه خلیج فارس و دریای خزر قرار دارد، موجب تغییر و تحول جدیدی در روابط قدرت در قرن بیست و یکم شده است (Golafrouz, 2015: 12).

موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی خاورمیانه در قدرت‌یابی و برتری در نظام جهانی به گونه‌ای است که به نظر نمی‌رسد به راحتی، مداخله و رقابت بین آمریکا و دیگر مداخله‌گران خارجی در این منطقه پایان یابد. از طرفی چین و روسیه به عنوان رقبای اصلی آمریکا به خاطر شرایط ساختار جهانی و برتری قدرت آمریکا، رقابت خود را به شکلی مبهم و با احتیاط وارد مناطق کرده‌اند. در این میان، منطقه خاورمیانه به شکل برجسته‌تری عرصه رقابت این قدرت‌ها بوده و هر گونه استراتژی امنیتی-دفاعی را برای کشورهای منطقه به چالش می‌کشد. رقابتی که نوعی استراتژی بین جنگ و صلح و سیاست منطقه خاکستری را یادآور می‌شود.

عدم تقارن قدرت روسیه و چین در برابر آمریکا، این دو کشور را به بهره‌گیری از منطقه خاکستری ترغیب کرده است. همچنین، روندهایی مانند جهانی شدن، دسترسی گسترده به فن‌آوری ارتباطات و واکنش‌های نامتقارن در برابر تاکتیک‌های ایالات متحده یک "منطقه خاکستری" بین مفاهیم سنتی جنگ و صلح را به وجود آورده است (Barno and Bensahel, 2015). چنین شکلی از رقابت روسیه و چین با آمریکا با همان تئوری پارادوکس ثبات و بی‌ثباتی جنگ سرد قابل توضیح است؛ جایی که وحشت از قدرت نظامی، پویایی اقتصاد، جذابیت فرهنگ ایالات متحده، داشتن نقش اصلی در تشکیل اکثر نهادهای مهم بین‌المللی مانند سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی و وجود شبکه قوی از متحدان و شرکا در سراسر

جهان باعث ادامه درگیری توسط روسیه و چین برای استفاده از قابلیت مزیت نسبی قدرت خود در مقایسه‌های کوچک‌تر و تلاش برای شکست رقیب در حوزه‌های محدودتر می‌شود (Green and et al,2017:28).

این درگیری روسیه و چین برای گرفتن امتیاز از آمریکا در حوزه محدودتر از جمله در خاورمیانه تهدیداتی را برای استراتژی‌های مختلف از جمله استراتژی بازدارندگی ایران سبب می‌شود. در شرایط نوین، وجود اتحادهای قوی به عنوان پشتوانه بازدارندگی ضروری بوده و از آنجایی که در درون منطقه امکان شکل‌گیری اتحاد منسجمی وجود ندارد، ایران بدون توجه به بازی بزرگ منطقه خاکستری روسیه و چین، پشتوانه بازدارندگی خود را در رابطه با این دو کشور جستجو می‌کند.

اگرچه در کوتاه‌مدت رابطه ایران با روسیه رابطه استراتژیکی به نظر می‌رسد ولی دچار نوساناتی است. روسیه بعد از بهار عربی برای توسعه حوزه نفوذ خود در سراسر منطقه خاورمیانه و دستیابی به بستری مجدد در میدان بازی قدرت‌های بزرگ پروژه‌های بلند پروازانه اقتصادی، تجاری، انرژی، فرهنگی و رسانه‌ای را در خاورمیانه به ویژه در سوریه، ترکیه و مصر آغاز کرده است (Cerulli,2019).

از اواسط دهه ۲۰۰۰، رویکرد جدیدی از روسیه در خاورمیانه ظهور کرد که بر دستاوردهای اقتصادی معاملاتی و تعاملات ژئوپلیتیکی غیرایدئولوژیک با طیف وسیعی از شرکا تأکید دارد. در این میان، «خاورمیانه تنها محیطی است که روسیه می‌تواند نشان دهد تنها یک قدرت منطقه‌ای نیست بلکه کنشگری جهانی با قدرت تغییر از طریق مدیریت منازعات مهم است. روسیه عمدتاً از خاورمیانه به عنوان یک اهرم قابل اتکا در معادلات قدرت جهانی در برابر تهدیدات ایالات متحده و غرب بهره می‌گیرد. در این راستا، یکی از اهداف راهبردی روسیه در خاورمیانه این است که محیط فعلی منازعه را از منطقه دریای سیاه شرق مدیترانه به مناطق جنوبی و غربی این دریا و در مرحله بعد به درون اقیانوس اطلس یعنی حوزه سنتی نفوذ غرب و ناتو بکشاند (Shahraki and et al.,2019:8). با این حال روسیه از نظر اقتصادی نمی‌تواند مزایا و گزینه‌های تجاری مشابه ایالات متحده را برای بازیگران منطقه ارائه دهد، از طرفی هم نمی‌خواهد

تمام هزینه‌های تامین امنیت در خاورمیانه را متقبل شود. بنابراین قصد ندارد به طور کلی حضور آمریکا در خاورمیانه را به چالش بکشد. این درحالی است که ایران خواهان پایان یافتن هرگونه مداخله آمریکا در منطقه می‌باشد. از طرف دیگر، روسیه سعی دارد با عربستان به عنوان رقیب سرسخت ایران روابط نزدیکی برقرار کند. روسیه و عربستان به طور مشخص از سال ۲۰۱۸ روابط بیشتری با هم داشته‌اند. از جمله: سفر بن‌سلمان به روسیه، فرستادن هیات بزرگی از روسیه به عربستان برای شرکت در سرمایه‌گذاری به عربستان، حمایت از عربستان در قضیه خاشقجی، سفر پوتین در اکتبر ۲۰۱۹ به عربستان سعودی، حمایت هر دو کشور از ژنرال خلیفه حفتر و... این ارتباط برای روسیه فرصت بی‌سابقه‌ای جهت گسترش شبکه روابط و نفوذ خود در خاورمیانه و برقراری روابط امن با یک قدرت بزرگ منطقه‌ای است که قبلاً در یک همکاری تقریباً انحصاری با ایالات متحده بوده است. برای عربستان سعودی نیز ارتباط فعلی با روسیه، تلاشی برای جلوگیری از دو آسیب‌پذیری استراتژیک پیش‌روی پادشاهی است: ۱. بی‌ثباتی در بازار نفت و ۲. رقابت با ایران. (Rumer, 2019: 4-5). به طور کلی، با ورود روسیه، ژئوپلیتیک خاورمیانه، پیچیده‌تر و بین‌المللی‌تر و حل‌وفصل مسائل آن، طولانی‌تر شده است. (Sari al-Qalam, 2016: 35). روسیه همچنین تمایل به روابط بیشتری با کشورهای حوزه خلیج فارس دارد. البته این کشور از نظر تأثیر اقتصادی و مالی، فناوری‌های جدید و یا از نظر فرصت‌های متنوع‌سازی اقتصاد، اهمیت دیپلماتیک، تأثیر ژئوپلیتیکی و توانایی‌های نظامی در صحنه جهانی، از شریک ایده‌آل مورد نظر کشورهای خلیج فارس فاصله دارد؛ به گونه‌ای روسیه برای تولیدکنندگان نفت و گاز خلیج فارس یک رقیب است تا یک متحد (Rumer, 2019: 7). مسکو برای ارتقاء جایگاه و افزایش نفوذ خود در عرصه بین‌الملل، ایجاد «ائتلاف‌های بی‌دردسر» با نهاد یا کشورهای کارآمد را در دستور کار قرار داده است. این رویکرد مبتنی بر سیاست «ابرقدرتی سهل‌الوصول» است. در واقع به جای اینکه روسیه به تنهایی بهای افزایش نفوذ جهانی خود را بپردازد، مبادرت به ایجاد ائتلاف‌های قابل اعتماد و موقت برای تقسیم‌بندی این هزینه‌ها نموده است. (Simber and Hosseini, 2016: 7). این کشور همچنین از اختلاف و تنش‌هایی که در خاورمیانه وجود دارد نفع بیشتری خواهد برد تا زمانی که منطقه عاری از تنش‌های جدی باشد. روسیه حتی برای گرفتن

امتیاز بیشتر در رابطه با مسائل ایران در خاورمیانه سعی می‌کند که از نزدیکی ایران با غرب جلوگیری کند.

روسیه در برابر کشورهای متخاصم در خاورمیانه نیز به گونه‌ای عمل کرده است که از تمامی فرصت‌ها استفاده کند. بنابراین، در رابطه با کشورهای منطقه نیز از سیاست ابهام استراتژیک و منطقه خاکستری برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند. به طور مثال «سیاست دوگانه روسیه در مورد خاورمیانه، روابط با ایران، سوریه و اعراب از یک سو و اسرائیل از سوی دیگر، زمینه را برای بهره‌برداری مسکو از بحران‌های خاورمیانه فراهم کرده است» (Koolae and Abedi, 2018: 21). روسیه سعی دارد با در پیش گرفتن ابهام استراتژیک و بدون عبور از خطوط قرمز آشکار آمریکا، حوزه نفوذ خود را در سراسر منطقه گسترش دهد. آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد، خود بازتولید کننده نامنی و بی‌ثباتی بیشتر در خاورمیانه به عنوان حوزه محدودتر درگیری با آمریکا است. همچنین روسیه سعی دارد تا با درگیر کردن ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و به مرور زمان هم امتیازات بیشتری از آمریکا بگیرد و هم توجه آمریکا را از مناطقی که برای روسیه با اهمیت‌تر هستند، دور کند. همانطور که گفته شد، در سیاست منطقه خاکستری مجریان این سیاست با رویکرد *Salami Slicing* تمایل دارند یک مدافع را در معضل قرار داده و برای پاسخگویی تضعیف کنند: مدافع نمی‌تواند به هر تخلف کوچکی پاسخ دهد و اگر مجازات تخلفات جزئی را شروع نکند، موقعیت استراتژیک آن به مرور فرسایش می‌یابد.

در مورد چین نیز با وجود اینکه به خاطر علاقمندی چین به روابط تجاری با ایران و نیاز به منابع خام خاورمیانه، سرمایه‌گذاری‌های چین در ایران در پروژه‌های نفت و گاز و ساخت و ساز ریلی پس از تحریم ایران تداوم یافت اما رفتار بلندمدت چین نشان از تمایل به پیروی از تحریم‌های آمریکا و جاه‌طلبی‌های شخصی در برابر ایران دارد. به عنوان نمونه، «پس از اینکه ترامپ در راستای مضاعف کردن فشار اقتصادی علیه ایران، فرمانی را برای وضع تحریم‌ها علیه بخش‌های ساخت و ساز، معدنکاری، تولید و منسوجات ایران صادر کرد، چین احتیاط بیشتری پیدا کرد. از جمله محدود کردن تجارت با ایران از طریق بانک کانلان {کونلون}. بانک "کونلون" در

سال ۲۰۰۹ و با سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت ملی نفت چین برای دور زدن تحریم‌های آمریکا ایجاد شد. اکنون این بانک نیز برای بازرگانی خارجی با ایران محدودیت‌هایی پیش‌بینی کرده است... حتی بانک‌هایی مانند ABC، چاینا بانک و دیگر بانک‌ها بدون اینکه نامه‌ای به شهروندان (ایرانی ساکن چین) ارائه کنند، فقط با یک پیام ساده اقدام به مسدود کردن حساب‌ها می‌کنند. با اینگونه رفتارهای غیرقابل اعتماد چین در برابر ایران، می‌توان گفت چین ابتدا با تحریم‌ها و محدودیت‌های ایران هماهنگ بوده و سپس با سخت‌تر شدن شرایط خود را ناجی ایران نشان می‌دهد تا از این طریق امتیازهای بیشتری به دست آورد.

چین امیدوار است که تأثیر فزاینده آن در منطقه به تدریج نفوذ آمریکا را از بین ببرد اما اکنون به نظر می‌رسد چین قصد دارد از مزایای ثبات اقتصادی بهره‌مند شود و به ایالات متحده اجازه می‌دهد تا در تأمین صلح و امنیت در منطقه پیشقدم شود، به شرطی که به منافع اقتصادی چین آسیب نرساند. همچنین، چین به دنبال این است تا در شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویر یک ابرقدرت "مسئولیت‌پذیر" را ارائه دهد و از منافع تجاری خود در منطقه محافظت کند. از طرفی هم سعی دارد یک بستر ایدئولوژیک عدم مداخله در منطقه به نفع خود فراهم آورد. رفتار چین در درگیری اعراب و اسرائیل نمونه‌ای از این خواسته چین بوده است (Rózsa, 2020:2). به طور کلی، چین کوشیده است که از دعوای منطقه خاورمیانه برکنار باشد، یا لاقلاً به گونه‌ای عمل کرده است که مخالفت جدی هیچ کدام از طرف‌های درگیری برانگیخته نشود. مثلاً چین در جنگ ایران و عراق ضمن حفظ بی‌طرفی، به هر دو طرف دعوا اسلحه می‌فروخت. امروز نیز چین ضمن حفظ ارتباط نزدیک با اسرائیل و تأمین تجهیزات نظامی غربی از کانال اسرائیل (به عنوان دومین منبع تأمین اسلحه چین پس از روسیه)، همچنان شریک اول تجاری ایران نیز محسوب می‌شود و در عین حال اولین شریک نفتی عربستان و شریک تجاری عمده امارات متحده عربی و سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز است (Mousavi and

اقدامات دولت‌های روسیه و چین بیانگر تفکر استراتژیک جامعی است که اهداف ملی مورد نظر را با توانایی تحقق این اهداف ضمن توجه به واقعیت‌های سیستم بین‌المللی مدرن متصل می‌کند. این دو کشور به جای تمایز بین روش‌های نظامی و دیپلماتیک، با سیاست منطقه خاکستری تمام مولفه‌های قدرت ملی را برای رسیدن به اهداف خود در دراز مدت درهم آمیخته‌اند (تاکید روسیه بر جنگ مدرن والرئ گراسیموف و توجه چین به نظریه "جنگ بدون محدودیت" کیائو لیان و وانگ شیانگسوی) (Hermberg, 2016). تحلیل‌گران تحت تأثیر "جنگ ترکیبی" روسیه قرار گرفته‌اند که ترکیبی از عملیات پنهان و پشتیبانی از گروه‌های نیابتی است. از آنجا که جنگ ترکیبی به عملیات پنهان متکی است، آمریکا نمی‌داند که چه نوع واکنشی در برابر روسیه مناسب خواهد بود (Rovner, 2015). علاوه بر این، تمایل عموم در ایالات متحده شرکت در چنین کارزارهایی (درگیری سطح پایین) را محدود می‌کند. در نتیجه جذابیت چنین درگیری‌هایی را برای رقبای ایالات متحده افزایش می‌دهد (Green and et al, 2017: 28). با این حال روسیه و چین قصد ندارند با تضمین‌های اتحاد ایالات متحده یا ارتش ایالات متحده مقابله کنند (Brands, 2016). با این وجود عملکرد ایران نشان‌دهنده نوعی خوش‌بینی نسبت به اتحاد با این دو کشور برای بیرون راندن آمریکا از خاورمیانه و بازدارندگی در برابر متحدان آمریکا در منطقه است. این در حالی است که شناخت درست از بازدارندگی ایران در برابر آمریکا و متحدانش نشان می‌دهد که سیاست منطقه خاکستری در خاورمیانه خود چالش بزرگی برای بازدارندگی و شرایط اعمال آن است به خصوص با توجه به اینکه تمرکز ایران بیشتر بر بازدارندگی با مجازات و توانمندی نظامی می‌باشد.

## ۲-۵. بازدارندگی ایران و آمریکا در خاورمیانه

بازدارندگی یک استراتژی است که براساس آن، یک قدرت از تهدید انتقام‌جویی به طور مؤثر استفاده می‌کند تا از حمله و تهدید دشمن جلوگیری کند. محافظت از خود به توانایی‌های نظامی، سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی و تمایل به استفاده از این توانایی‌ها نیاز دارد تا قدرت دشمن را از انجام یک اقدام خاص با تهدید به آسیب رساندن به آنچه که بیشترین ارزش را دارد، منع کند (Jordet, 2006: 23). بازدارندگی در قالب یک استراتژی کنترل بحران و جلوگیری از جنگ،

ارمغان دوره جنگ سرد است. در طول جنگ سرد شرایط محلی (مکان، فرهنگ، سیاست و تصمیم‌گیری‌های رهبری) به نفع وضعیت کلی بازدارندگی از جمله تمرکز بر کاهش مرگ و میر و جنگ تمار عیار، نادیده گرفته می‌شد و آنچه بازدارندگی می‌نامیدند به نوعی "بازدارندگی وجودی" بود (Payne, 2003). از این رو برای جنگ سرد ما می‌توانیم بازدارندگی را نه صرفاً به عنوان یک مفهوم اجتناب از جنگ، بلکه شاید به عنوان یک مفهوم نظم جهانی شبیه به کنسرت اروپا، عملیات اولیه برای مهار خشونت‌های دولت‌ها و همچنین قابلیتی برای نگهداری نظم، مشاهده کنیم (Morgan, 2003: 261). با تغییر توزیع قدرت در نظام بین‌الملل، استراتژی‌های مختلف کنترل و مدیریت نظم از جمله استراتژی بازدارندگی متناسب با ویژگی‌های خاص نظام نوین جهانی تغییر یافت (جدول ۲).

جدول (۲): تحولات بازدارندگی در نظم نوین جهانی

ورود بازیگران مختلف دولتی و غیر دولتی به بازدارندگی (تغییر در عرصه نظام)	جنگ سرد استراتژی بازدارندگی را به روابط ابرقدرت‌ها محدود کرده بود در حالی که پس از جنگ سرد، کشورهای کوچک، گروه‌های جدایی طلب قومی و مذهبی و تروریست‌ها نیز فرصت استفاده از استراتژی بازدارندگی را پیدا کرده‌اند (Ghasemi, 2012).
پیدایش انواع بازدارندگی	پیدایش انواع بازدارندگی از جمله: بازدارندگی کلی، موسع، محدود، متمرکز، آنی، مستقیم، غیرمستقیم، بازدارندگی نامتقارن، یکجانبه منطقه‌ای و ... مسئله اصلی در اینجا تطبیق بین سلاح و هدف است. باید دانست چه نوع بازدارندگی؟ و با چه هدفی؟ قرار است اجرا شود.
ابزارهای بازدارندگی	استفاده از ابعاد مختلف قدرت، استفاده از قدرت ساختاری و نه فقط قدرت نظامی. بنابراین، در بازدارندگی نوین از ابزارهای مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و... بهره گرفته می‌شود.
تغییر سطح بازدارندگی	در دوران جنگ سرد به دلیل درگیری دو ابرقدرت که حوزه نفوذ خود را در کل سیستم گسترش داده بودند، بازدارندگی امری جهانی تلقی می‌شد، ولی امروزه کشورها در مناطق خود در پی ایجاد نظام‌های بازدارنده هستند (Jamshidi, 2012: 10). (منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی به موازات یکدیگر).



از مهم‌ترین این تحولات، تغییر سطح بازدارندگی از سطح جهانی به سطح بازدارندگی منطقه‌ای و پیدایش بازدارندگی یکجانبه منطقه‌ای در شرایط عدم تقارن قدرت است. بازدارندگی یکجانبه منطقه‌ای در منطقه خاورمیانه و به طور مشخص در بازدارندگی آمریکا در حمایت از متحدانش علیه ایران قابل مشاهده است.

اقدامات آمریکا و مداخله در امور خاورمیانه نشان دهنده اهمیت و اعمال بازدارندگی یکجانبه هژمون در این منطقه است. در بازدارندگی یکجانبه منطقه‌ای، کشور بازدارنده به طور مستقیم در معرض تهدید قرار نمی‌گیرد. هدف آن کشور بازداشتن رقیب از حمله به متحدان منطقه‌ای برای رسیدن به نظم مطلوب خود است (Ghasemi, 2009: 10). متحدین آمریکا بایستی مطمئن باشند که در صورت بروز تهاجم، آمریکا از آنها و منافعیشان دفاع خواهد کرد و این موضوع، از میزان تعهداتش به امنیت منطقه‌ای روشن خواهد شد (Ghasemi, 2011: 422). چنین اتحادیهایی جایگاه ویژه‌ای در رفتار بازیگران منطقه دارد به ویژه زمانی که موضوع افزایش تسلیحات منطقه و امنیتی کردن ارتباط کشورهای در میان باشد. به تعبیر بری بوزان این اتحادها یک خطر اخلاقی ایجاد می‌کنند. تضمین‌های بیش از اندازه آمریکا به این کشورها آنها را تشویق می‌کند که دست به رفتارهای خطرناک بزنند. رفتار منطقه‌ای ترکیه، اسرائیل و عربستان سعودی، نمونه آشکار چنین استراتژی است که ایران آن را بر نمی‌تابد (Rezaei, 2016: 1)، «در واقع از سال ۲۰۰۳ به بعد مهم‌ترین اقدامات آمریکا، عربستان و دیگر متحدان آنها در خاورمیانه حول محور ایران می‌چرخد (Jokar and Sazmand, 2020).

مهمترین اقدامات بازدارنده ایالات متحده آمریکا با کمک متحدان خود علیه ایران عبارتند از: -بکارگیری مجازات‌های بین‌المللی اقتصادی، سیاسی و نظامی در برابر ایران، -ایجاد پایگاه‌های نظامی در حوزه استراتژیک ایران، -افزایش تعداد نیروها و اعزام ناوهای جنگی به خلیج فارس و افزایش جنگ روانی علیه ایران، -تلاش برای ائتلاف‌سازی همسایگان در راستای منروی کردن ایران و افزایش ایران هراسی در منطقه، -تشویق همسایگان ایران به ایجاد ائتلاف و تجهیز خود

به سلاح‌های پیشرفته در برابر ایران، -ادغام سیستم‌های فرماندهی و کنترل کشورهای منطقه با امریکا در جهت تقابل با ایران، -تشدید انواع تحریم برای تضعیف روحیه ملی و فروپاشی انسجام داخلی ایران، -تضعیف موقعیت ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک ایران، -تاثیرگذاری بر سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران جهانی برای تحریم همه‌جانبه ایران و منزوی ساختن آن در جهان و منطقه (استفاده از مولفه‌های مختلف قدرت ساختاری).

جمهوری اسلامی ایران نیز تحت تاثیر عواملی از جمله تجربیات تاریخی، عوامل مادی و ساختاری مانند جغرافیا، اقتصاد و ساختارهای سیاسی و عوامل مفهومی شامل ایدئولوژی، ناسیونالیسم، دین، درک تهدید و تصور از خود درصدد اعمال بازدارندگی در برابر مداخله‌گری آمریکا و متحدانش است. «ایران در تفکر بازدارندگی خود بیشتر بر موقعیت استراتژیک خود در سیستم منطقه‌ای و بین‌المللی و بهره‌گیری از آن در خنثی‌سازی حملات احتمالی تأکید می‌کند. از دیدگاه ایران مهم‌ترین توانایی‌های مذکور عبارت‌اند از: موقعیت ژئوپلیتیکی که معمولاً اشغال کشور را مشکل می‌کند؛ سواحل طولانی با خلیج فارس و دریای عمان به عنوان سرزمین اصلی تولید انرژی جهان؛ موقعیت عبوری تنگه هرمز و کنترل ایران بر آن؛ موقعیت نظامی برتر در منطقه؛ ساختار متنوع نیروهای نظامی آن به‌ویژه توان بسیج جمعیت در زمان ضرورت؛ امکان به کارگیری نیروهای شبه‌نظامی در صورت ضرورت؛ توان شبکه‌سازی ایران در منطقه (شبکه‌سازی با متحدان منطقه‌ای خود)... (Ghasemi, 2007: 14)

مهمترین تلاش‌های بازدارنده ایران در برابر آمریکا عبارتند از: -تلاش برای شبکه‌سازی و تقویت جریان مقاومت در منطقه، -استفاده از برنامه‌های موشکی و نمایش قدرت نظامی در منطقه، -تهدید و هدف قرار دادن متحدان منطقه‌ای آمریکا از جمله اسرائیل و عربستان، -استفاده از مین‌ها، قایق‌های موتوری، ضدکشتی و زیردریایی‌ها علیه نیروهای آمریکا و متحدانش، -ایجاد تنوع طیف موشکی، بالا بردن سرعت و نیروی انهدام آنها و ساخت موشک‌هایی با برد طولانی، -درگیر شدن در جنگ‌های منطقه (درگیری‌های نظامی نامرسوم) برای کنترل اقدامات مداخله‌گر و متحدان منطقه‌ای آن و -تلاش در جهت درگیرسازی چین و روسیه در درون حوزه منافع استراتژیک منطقه (به پشتوانه بازدارندگی).

آنچه در مورد اقدامات بازدارنده ایران مشاهده می‌شود، توجه بیشتر ایران به توانمندی نظامی است که یادآور برداشت جنگ سردی از بازدارندگی است. این درحالی است که اکنون، وضعیت محیط ملی، وضعیت منطقه خاورمیانه و رقابت‌های جهانی محدودیت‌هایی را بر سر راه موفقیت بازدارندگی قرار می‌دهد. خصوصاً زمانی که اقدامات بازدارنده بر محور بازدارندگی با مجازات باشد تا بازدارندگی با انکار. در بازدارندگی با مجازات، رقیب تهدید می‌شود که اگر به اقدامی منع شده دست بزند، متحمل هزینه‌ای خواهد شد که از سود آن اقدام، بسیار سنگین‌تر است. در بازدارندگی با انکار، رقیب را متقاعد می‌کنند که اگر به اقدامی منع شده دست بزند به هدف خود نخواهد رسید (Snyder, 1960:2). بازدارندگی با انکار نباید به تنهایی با توازن نیروها برابر گرفته شود؛ توانایی نظامی صرفاً یک بُعد بازدارندگی با انکار است (Mazar, 2018:3). بازدارندگی با انکار بر بازدارندگی با مجازات ارجح است زیرا مجازات به اجبار مداوم نیاز دارد، درحالی که انکار شامل کنترل است (Mallory, 2018:3). در بازدارندگی با انکار، به جای تهدید مستقیم مهاجم با بالا بردن انتقال پیام، مهاجم را برای انجام تهدید بی‌انگیزه و متقاعد می‌کنند. در اینجا، موفقیت بازدارندگی با توان انتقال پیام برای متقاعد سازی طرفین (قدرت دیپلماسی یا بازدارندگی سیاسی) مرتبط است. به طور کلی، اعمال بازدارندگی نوین در وضعیتی موفق خواهد بود که چالشی متوجه سه اصل بازدارندگی یعنی ارتباط، اعتبار تهدید و عقلانیت نباشد؛ «۱. ارتباط: برقراری رابطه شفاف و توانایی آگاه ساختن حریف از قصد خود و حدود اعمال ممنوعه؛ ۲. عقلانیت: عقلانیت طرفین در محاسبه سود و هزینه احتمالی رفتار خود؛ ۳. اعتبار: باور حریف به توانایی طرف مقابل» (Jamshidi, 2012:5). موفقیت این سه اصل، محیط ارتباطی و فضای شفاف را طلب می‌کند که ۱. درصدی از پیش‌بینی‌پذیری در رفتار طرفین وجود داشته باشد (نظم)، ۲. انتقال پیام برای متقاعدسازی طرفین بدون چالش و شفاف صورت گیرد، ۳. وجود متحدینی که اعتبار تهدید را در شرایط عدم تقارن قدرت بالا ببرند و ۴. وضعیت مناسب ادراکی طرفین به جهت اینکه اصل عقلانیت و باور به تهدید به طور مساوی در طرفین اتفاق بیفتد. در این میان، شرایط منطقه خاورمیانه با مواردی از جمله وضعیت اتحادها، شرایط اقتصادی و درگیری‌های هویتی (فشار ناشی از سطح منطقه) سبب گرایش ایران به سمت اتحاد با مداخله‌گران خارجی از

جمله روسیه و چین شده است. این در حالی است که سیاست رقابتی چین و روسیه در قالب سیاست منطقه خاکستری در خاورمیانه نیز چالش‌هایی را در سه اصل استراتژی بازدارندگی ایران به وجود می‌آورد. در ادامه، به شرح این موارد پرداخته می‌شود.

## ۶. تجزیه و تحلیل

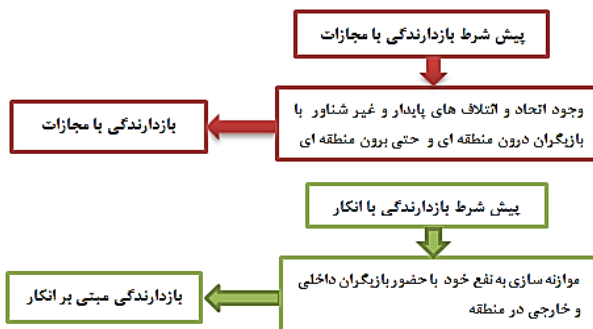
### ۶-۱. چالش‌های بازدارندگی ایران در خاورمیانه

قبل از هر چیز، باید دانست در خاورمیانه با توجه به مختصات خاصی که دارد -هم از نظر وضعیت منطقه و هم مداخلات گسترده خارجی- تمامی استراتژی‌ها در شرایط نظم نوین جهانی به روابط بین دو یا چند بازیگر محدود نبوده و به اتحاد و ائتلاف قابل اعتماد با دیگر بازیگران نیازمند است. از طرفی دیگر، استراتژی بازدارندگی در شرایط نظم نوین جهانی هم بدون توجه و بررسی دقیق الگوهای اتحاد و ائتلاف پایدار قابل اعمال نیست.

#### ۱-۶. اتحادهای ناپایدار و بازدارندگی بی‌پشتوانه (چالش ناشی از سطح منطقه)

ارتباط اتحاد و موازنه با موفقیت بازدارندگی را می‌توان مطابق شکل زیر توضیح داد.

شکل (۱). بازدارندگی، اتحاد و موازنه



وضعیت و ساخت منطقه در خاورمیانه به گونه‌ای است که اتحاد و ائتلاف منسجمی در آن صورت نمی‌گیرد. این موضوع هم با وضعیت اقتصادی و هم وضعیت هویتی در این منطقه مرتبط است. وضعیت و ساختار اقتصادی کشورهای منطقه اجازه همکاری و همگرایی اقتصادی را نمی‌دهد. بارزترین مشخصه اقتصادی خاورمیانه، تک‌محصولی بودن و وابستگی به اقتصاد انرژی به ویژه نفت می‌باشد. رابطه پیچیده بین مولفه‌های اقتصاد انرژی شامل تولید/توزیع/مصرف

با مولفه‌های سیاسی از جمله رفاه/ امنیت/ قدرت در این منطقه سبب اختلال در بهره‌گیری از موقعیت‌های مختلف اقتصادی و بروز مشکلاتی زیادی از جمله مسائل ذیل شده است.

- تسلط مواضع سیاسی کشورها بر اقتصاد انرژی در نتیجه عدم هماهنگی اعضای اوپک و تاثیرگذاری کمتر بر ساختار جهانی (رقابت بر سر جذب سرمایه‌های خارجی و تکنولوژی در بخش صنعت نفت و تلاش برای افزایش ظرفیت تولید نفت خود در رقابت بین کشورها).
- ناموفق بودن تلاش برای نهادینه کردن روابط تجاری و اقتصادی منطقه‌ای در قالب موافقتنامه تجارت آزاد (PAFTA)، Agadir Declaration، و اتحادیه گمرک GCC، به دلیل موانع سیاسی.
- باقی ماندن روابط اقتصادی در سطح سنتی زیر منطقه یا دوجانبه به گونه‌ای که حتی تلاش‌های شورای همکاری خلیج فارس در خصوص تحقق همکاری اقتصادی از جمله توافقنامه تجارت آزاد، تأسیس یک اتحادیه گمرکی و بازار مشترک به دلیل عدم تولید کالاها و نبود خدمات موفق نبوده است.

علاوه بر این موارد، ناامنی سیاسی نیز سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی و همچنین همکاری اقتصادی این منطقه را در حد پایینی نگه می‌دارد. چنین وضعیت اقتصادی باعث شده است از یک طرف، در درون منطقه فقط اتحادهای شکننده و شناور دو یا چندجانبه شکل گیرد که از یک حوزه موضوعی به حوزه موضوعی دیگری در تغییر و سیالیت هستند. از طرفی دیگر، این وضعیت اقتصادی منجر به مهندسی اقتصاد انرژی و تنظیم سیاست‌های منطقه‌ای توسط کشورهای بیرون از منطقه و در نتیجه رقابت کشورهای مداخله‌گر با تمرکز بر مزیت نسبی قدرت خود برای موازنه‌سازی در خاورمیانه شده است. چنین مسائلی منجر به ایجاد ماریپچ ناامنی و ارجحیت مسائل سیاسی و نظامی بر مناسبات اقتصادی می‌شود.

علاوه بر وضعیت اقتصادی، فشارهای ناشی از روند تاریخی دشمنی‌های هویتی (هویتی دینی، قومی، قبیله‌ای، زبانی و ...) و رقابت‌های مختلف قدرت در منطقه، باعث شده است اتحاد قابل اعتمادی در خاورمیانه شکل نگیرد. به گونه‌ای که با کمک گرفتن از مفهوم امنیت هستی‌شناختی میتزن (Mitzen, 2006)، می‌توان گفت گاهی حتی وجود رقابت و مخالفت مورد استقبال دولت‌های خاورمیانه قرار می‌گیرد تا از این طریق تصویر هویتی خود را با روندهای ثابت ادامه

دهند. آن‌گونه که میتزن می‌گوید امنیت هستی‌شناختی نشان می‌دهد که دولت‌ها نیز مانند کنشگران فردی به دنبال درک ثابت و مستمری از هویت پایدار فردی و حفظ خودپنداره‌های سازگار از خود هستند. این "خود و هویت" از طریق روال‌هایی مانند رقابت و درگیری که بر سایر دولت‌ها تأثیر می‌گذارد، تشکیل و حفظ می‌شود. در این وضعیت، دولت‌ها به جای فرار از تنگناهای امنیتی به سمت این تنگناها می‌روند تا از این طریق امنیت هستی‌شناختی خود را تأمین کنند. تکرار روال‌های رقابتی و تعارض می‌تواند امنیت روانی "خود" نه امنیت فیزیکی را فراهم کند. دولت‌ها حتی به سمت آسیب فیزیکی برای حفظ این "خود" می‌روند. در این راستا، آنها تعارض را به همکاری ترجیح می‌دهند (Mitzen, 2006: 2-3). واقعیت‌های محیط راهبردی خاورمیانه در سال‌های اخیر بیانگر گسترش تضادهای هویتی به موازات رقابت‌های ژئوپلیتیکی است (Kazemi, 2016: 16). مهمترین مسائل ناشی از روندهای هویتی متعارض در خاورمیانه را می‌توان اینگونه بیان کرد:

-عدم تکوین کامل دولت-ملت بر اثر شکاف ناشی از فعالیت واحدهای فروملی مثل قوم، قبیله، عشیره، فرقه‌گرایی مذهبی: (آمیختگی شکاف‌های قومی و قبیله‌ای با گروه‌های سلفی فعال و بنیادگرایی در لیبی، عراق، یمن و سوریه. در بعضی از این کشورها همچنان سران قبایل مرجع دستور هستند). -عدم تکوین هویت ملی: عدم توانایی در شناخت، یکپارچه‌سازی و انعکاس تنوع قومی-فرهنگی هم در دموکراسی‌ها (اسرائیل و ترکیه)، هم دموکراسی‌های در حال تحول (مناطق عراق و فلسطین)، رژیم‌های جمهوری (مصر و سوریه)، سلطنت‌های نیمه لیبرال (اردن و بحرین) یا رژیم‌های اسلامی (ایران). \_تعارضات قومی و استفاده از هویت‌های قومی و دینی در کشورهای مختلف منطقه به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن یکدیگر. -تفاسیر مختلف از اسلام و منازعات ژئوپلیتیکی حول تعارض هویت فرقه‌ای و مذهبی. -تعارضات تاریخی و ایدئولوژیک نهفته در ساخت اجتماعی خاورمیانه؛ به طوری که می‌توان گفت حتی زبان عربی یک زبان واحد نیست که وحدت ایجاد کند. -وجود مقاومت در برابر نیروهای عربی‌سازی و اسلامی‌سازی یا هر دو. -وجود هویت‌های مذهبی و دینی مختلف: اسلام، یهودیت، مسیحیت،

فرقه‌های اسلامی و.... -تضاد امت‌گرایی و ملت‌گرایی همزمان(ضدیت با نظم دولت-ملت به عنوان فرآورده مدرنیته در بین بنیادگرایان دینی).

در این شرایط، دغدغه حفاظت از «خود» و تفاوت‌های هویتی باعث می‌شود کشورهای این منطقه از همکاری ترس داشته و همکاری را به معنی همگرایی و از بین رفتن هویت خود تفسیر کنند. همچنین، در خاورمیانه حتی در اتحادهای حداقلی، ترس از دست دادن بیشتر از کسب سود ناشی از همکاری‌های مختلف تاثیرگذار است. علاوه بر این، وجود نگاه امنیتی و ترس در ادراک از هر اقدامی در منطقه باعث شده است که متحدان آمریکا در برابر هر اقدام ایران، خواهان مداخله حداکثری آمریکا برای اطمینان از اعتبار تهدید حامی خود باشند. در این میان، وضعیت موازنه قدرت در منطقه نیز هشدارهای جدی برای جمهوری اسلامی ایران دارد. در چند ساله گذشته با وقوع رخداد‌های بزرگ در خاورمیانه از جمله تضعیف عراق و سوریه، موازنه قدرت در این منطقه دچار دگرگونی شد. ایران و عربستان سعودی با محوریت مذهب‌گرایی به سمت جنگ‌هایی مانند جنگ‌های نیابتی (بیشتر در سوریه، عراق و یمن) و جنگ سرد پیش رفته‌اند. «همچنین عربستان به یک کشور مسلح به عنوان محور اصلی بازدارندگی نیابتی و یکجانبه آمریکا علیه ایران تبدیل شده است» (Mohseni and et al, 2018). از سویی نیز دخالت‌های خارجی از جمله دخالت‌های روسیه، ایالات متحده آمریکا و ترکیه گسترش یافته است. این در حالی است که تصور ایران و دیگر کشورهای منطقه به خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس نسبت به مداخله خارجی منطقه متفاوت است. «عدم توافق جمعی کشورهای منطقه بر سر تعریف امنیت (به خاطر اختلاف در مصالح، اهداف و اولویت‌های سیاسی) باعث شده است طرفین نظرات متفاوتی درباره سیاست امنیتی این منطقه بدهند. ایران منبع اصلی تهدید علیه امنیت منطقه را حضور نیروهای خارجی می‌داند و طرفدار به وجود آوردن یک ساختار جدید امنیتی بر اساس مشارکت تمام کشورهای منطقه است. کشورهای منطقه از جمله قطر، کویت، امارات و ... تامین امنیت در منطقه خلیج را از طریق حضور نظامی کشورهای غربی از جمله آمریکا میسر می‌دانند» (Dehghani Firoozabadi, 2009:434). همچنین از ضدیت کشورهای منطقه و حتی عربستان با اقدامات اسرائیل کاسته شده و نوعی عادی‌سازی در روابط آنها نمایان است؛ به طوری

که رئیس ستاد ارتش اسرائیل، سپهبد گادی آیزنکوت (Gadi Eizenkot) در مصاحبه‌ای تأکید کرد که تهدید ایران برای این دو طرف مشترک است و خواست اسرائیل را برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات با ریاض اعلام کرد. چنین تحولاتی می‌تواند در خاورمیانه تحولات عمده‌ای ایجاد کند که پیامدهای گسترده‌ای برای جنگ و صلح دارد (Miller, 2018:5). به نظر می‌رسد عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل، ایران را به دشمن مشترک این کشورها تبدیل می‌کند. با این وضعیت، ایران مجبور به پشتیبانی بیشتر از متحدان منطقه‌ای خود است که بیشترین چالش را با اسرائیل دارند. اما این موضوع چالشی برای بازدارندگی ایران ابتدا در درون خود کشور و بعد در سطح منطقه است.

- در درون کشور، وضعیت اقتصادی و فشارهای مختلف ناشی از تحریم‌ها باعث شده است یکی از موارد اعتراضی مردم نارضایتی از هزینه‌های دولت در امور خارجی باشد که به منظور تقویت متحدان ضعیف‌تر خود در منطقه صورت می‌گیرد. این مورد در بلندمدت می‌تواند باعث ایجاد فاصله زیاد حکومت و مردم شده و شرایط سخت‌تری را در سیاست‌های داخلی و خارجی باعث شود. تغییر افکار عمومی مردم ایران در مورد سیاست‌های کلان ایران یا مداخلات نظامی و غیر نظامی آن ممکن است تأثیر منفی بر اتحاد داخلی و توانایی ایران در جلوگیری از نیروهای خارجی داشته باشد. بنابراین موفقیت بازدارندگی ایران نیازمند توسعه و رشد داخلی است نه اینکه بازدارندگی نظریه‌ای برای بقا در نظر گرفته شود.
- در سطح منطقه نیز حمایت ایران از متحدان منطقه‌ای خود باعث بحرانی شدن شرایط و تنش ایران با سایر بازیگران خاورمیانه می‌شود. زیرا هر اقدام ایران در حمایت از متحدان منطقه‌ای خود باعث می‌شود دیگر کشورهای منطقه خصوصاً کشورهای حوزه خلیج فارس و مداخله‌گران حامی آنها در صدد واکنش‌های بزرگتری در برابر ایران برآمده و نوعی ماریپیچ نامنی ایجاد شود. در این شرایط، همکاری دیگر کشورهای خارج از منطقه با ایران منوط به پیدا شدن راه‌حل‌هایی برای غلبه بر تحریم‌های ایالات متحده آمریکا و ایجاد وضعیتی است که سرمایه‌گذاری خارجی و فعالیت اقتصادی در آن به خوبی صورت گیرد. این در حالی است که ادامه اعمال تحریم‌ها چندین مورد ریسک داخلی به وجود می‌آورد که تأثیر چشمگیری بر ثبات و جذب سرمایه‌گذاری



خارجی می‌گذارد؛ مواردی مانند سطح فقر در جامعه، خطرات اجتماعی، بروز مکرر اعتراضات با انگیزه اقتصادی، افزایش تورم و... این عوامل می‌توانند تأثیر منفی بر احتمال سرمایه‌گذاری در ایران و بیرون راندن سرمایه‌گذاران به کشورهای امن‌تر داشته باشند. با این مسائل، در خاورمیانه بهره‌گیری از مدل بازدارندگی با مجازات که سطح بالاتری از قدرت و وجود متحدینی قوی را لازم دارد سخت می‌گردد و حتی بازدارندگی با انکار که به توانایی موازنه‌سازی نیازمند می‌باشد با نبودن موازنه قدرت قابل اتکا به چالش کشیده می‌شود. در این میان، نبود اتحادهای مستحکم در منطقه، سبب شده است ایران به چین و روسیه امیدوار باشد تا بلکه بتواند دست به موازنه‌سازی در برابر آمریکا و متحدانش زده و تحریم‌های اقتصادی را خنثی و مخاطرات امنیتی خود را محدود کند. این در حالی است که «شاید بر اساس تجربیات چند قرن اخیر که سیستم کشور-ملت تاسیس شده است، بتوان مطرح نمود که اولین ماموریت و اولویت سیاست خارجی هر کشوری، در مدارهای اول، همسایگان آن کشور است. تا زمانی که در این مدارها انسجام، هماهنگی، هارمونی، امنیت جمعی و همگرایی اقتصادی صورت نپذیرفته باشد، پرداختن به موضوعات خارج از منطقه، بهینه‌سازی منابع ملی نیست» (Sari al-Qalam, 2011:20). از طرفی دیگر نباید فراموش کرد که وضعیت محیطی خاورمیانه با توجه به اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی آن، در خلاء شکل نگرفته و یکی از دلایل نبود فرصت اتحاد و ائتلاف و مسائل مختلف منطقه که بدان پرداخته شد، مداخلات خارجی طی تاریخی طولانی در این منطقه بوده است.

خوش‌بینی نسبت به مشارکت کشورهای خارجی از جمله روسیه و چین به عنوان راهی برای موازنه‌سازی در برابر آمریکا و جبران مشکل اتحادهای ناپایدار در منطقه با تهدیدات اساسی روبروست. استراتژی روسیه و چین در خاورمیانه در برابر آمریکا، اعمال سیاست منطقه خاکستری (جدول ۱) و نوعی جنگ سایه‌ای را در برابر آمریکا نشان می‌دهد. نتیجه اصلی اجرای سیاست منطقه خاکستری این کشورها در خاورمیانه بازتولید ابهام و بی‌نظمی در این منطقه است و این خود چالشی عظیم برای اعتبار و شفافیت اقدامات بازدارنده طرفین است. در این شرایط، سوءادراکات به اصلی در رفتار کشورها تبدیل می‌شود؛ سوءادراکی که از یک سو نوع

خوش‌بینی آرمانی در دوستی با این کشورها پدید می‌آورد و گاهی نیز باعث برداشتی اغراق‌گونه از خصمانه بودن رفتار دیگر کشورها می‌شود. تمامی این موارد استراتژی بازدارندگی -اصول اصلی، شرایط و زمینه‌های اعمال- را به چالش می‌کشند.

#### ۲-۱-۶. منطقه خاکستری و بحران در اصول بازدارندگی (فشار ناشی از سطح بین‌الملل)

استراتژی‌های مختلف در منطقه خاورمیانه همواره با وجود ابهام و پیچیدگی‌های مختلف در این منطقه به سختی قابل اعمال بوده‌اند. در این میان، سیاست منطقه خاکستری روسیه و چین هم در ساختار پیچیده خاورمیانه، ابهام و عدم قطعیت را بازتولید کرده و کشورهای منطقه سرباز جنگ‌های سایه‌ای و مبهم در جهت اهداف قدرت‌های بزرگ و قربانی رقابت بین آنها می‌شوند. «جنگ مبهم زمانی اتفاق می‌افتد که یک بازیگر متخاصم نیروها و نمایندگان را به روشی فریبنده و گیج‌کننده اعزام کند -با هدف دستیابی به تأثیرات سیاسی و نظامی- در حالی که مشارکت مستقیم متخاصم را پنهان می‌کند» (Connell and Evans, 2015:9). خاصیت سیاست منطقه خاکستری و چنین بازی بزرگی این است که کشورهای منطقه گمان کنند که از اتحاد با این کشورها در حال پیشی گرفتن از رقبا و مخاصمان خود هستند. در حالی که جنگ سایه‌ای و ابهام، احساس اطمینان برای حفظ هویت خود و داشتن محیط روانی باثبات را برای ادراک تصمیم‌گیرندگان از رویدادهای مختلف دشوار می‌کند و حتی خودسامانی حداقلی منطقه را با بحران مواجه می‌کند. به عنوان نمونه، اگر حتی بر اساس موضوع امنیت هستی‌شناختی، رقابت و پیش‌بینی ناپذیری رفتار به نوعی خودخواسته کشورهای منطقه خاورمیانه باشد -زیرا آنها از این طریق به حفظ همان رویه‌های عادی و هویتی می‌پردازند که احساس اطمینان و اتحاد داخلی را برایشان فراهم می‌آورد-، مداخله خارجی و کشاندن رقابت‌های جهانی به خاورمیانه به ابهام و پیش‌بینی ناپذیری گسترده و خارج از اراده دولت‌ها در این منطقه منجر می‌شود. در این وضعیت حتی اقدامات بازدارنده از سوی دولت‌ها به عنوان ماجراجویی نظامی درک می‌شود.

ابهام استراتژیک در منطقه، همچنین به سوءادراک بیشتر در اقدامات بازدارنده ایران و آمریکا دامن زده و چالشی برای شفافیت بازدارندگی است. اتحادهای محکم و شفافیت در دفاع از متحد باعث موفقیت بازدارندگی می‌شود؛ همان چیزی که ایران سعی دارد از طریق اتحاد با روسیه و

چین به آن دست یابد، اما این در حالی است که در درگیری‌های منطقه خاکستری که عدم شفافیت قابل توجه در علاقه به تعهدات وجود دارد، اعمال استراتژی‌های مختلف از جمله بازدارندگی دشوار می‌شود. بنابراین، نه تنها بازدارندگی پشتوانه‌ای برای موفقیت خود یعنی متحد قابل اعتمادی نمی‌یابد (به ویژه بازدارندگی با مجازات) بلکه بازتولید ابهام در منطقه به سوءادراک بیشتر در اقدامات بازدارنده ایران و آمریکا دامن زده و چالشی برای شفافیت ارتباط بازدارندگی است. در این وضعیت که بی‌نظمی و پیش‌بینی ناپذیری رفتار شدت می‌یابد، در ابتدا نمی‌توان به اقدامات حریف یا متحدانش درک درستی داشت و همزمان نیز هر اقدام ایران در قالب رقابت بزرگتر جهانی تفسیر می‌شود. بنابراین، حتی اقدامات ایران به قصد اعتبار بازدارندگی خود می‌تواند باعث ترغیب آمریکا برای اتخاذ تهدیدهای بزرگ‌تر نظامی در رقابت با چین و روسیه گردد و منجر به ماریپچ شدید بحران شود.

همان‌گونه که گفته شد از یک طرف، روسیه و چین علاوه بر تلاش در جلب نظر ایران، همزمان با عربستان و اسرائیل ارتباط گسترده‌ای دارند و از طرف دیگر، قصد به چالش کشیدن نظم جهانی و یا حضور آمریکا در خاورمیانه را ندارند، بی‌توجهی به چنین موارد باعث می‌شود ایران نسبت به اعمال بازدارندگی، به ویژه بازدارندگی با مجازات خوشبین باشد در حالی که سیاست کلی این کشورها حفظ همین وضعیت کنونی خاورمیانه است و این کشورها هر گونه تلاش از سوی ایران برای تغییر وضعیت موجود را بر نمی‌تابند. با توجه به مواردی که در خصوص اهداف و عملکرد روسیه و چین گفته شد، خاورمیانه با همه اهمیتش برای روسیه و چین بیشتر از اینکه فضای حیاتی باشد فضایی برای سرگرم کردن قدرت بزرگ با همان سیاست *Salami Slicing* است در نتیجه این کشورها تمایلاتی شبیه تمایلات ایران در منطقه ندارند. همچنین، اولویت روسیه و چین در خاورمیانه بیشتر موضوعات مربوط به فروش اسلحه و کالاهای درجه چندم است.

ابهام و عدم قطعیت همچنین سوءادراک را به عنصری اساسی در عملکرد دولت‌ها تبدیل می‌کند. ادراک و عقاید تصمیم‌گیرندگان تاثیر زیادی بر رفتار کنشگران و موفقیت یا ناکامی بازدارندگی دارد؛ در واقع، «بازدارندگی به درک عزم تهدیدکننده برای تحقق تهدید و مهمتر از همه، به اعتقاد

متجاوز بالقوه به تحقق تهدید بستگی دارد (Long, 2008: 11). سوءادراک‌ها به شکلی ساده می‌تواند سبب فروماندگی بازدارندگی شود. به طوری که «سوءادراک باعث می‌شود کشورها تصورات نادرستی از تعهد متحدان خود داشته باشند. این مورد را می‌توان در شکست بازدارندگی در بحران عراق ۱۹۹۰ مشاهده کرد. از یک طرف، صدام متقاعد شد که اگر مبارزه کند، عراق در نبرد نظامی پیروز خواهد شد. از طرف دیگر، صدام باور نمی‌کرد که شوروی در حمله امریکا به عراق شرکت کند (Mazarr, 2018). علاوه بر این، ضعف قدرت انتقال پیام و ارتباط به این وضعیت ادراکی دامن زد. با توجه به سیگنال‌های گیج‌کننده واشنگتن، بعید بود که صدام متوقف شود. در واقع، دیپلماسی بازدارندگی قبل از حمله منسجم و متمرکز نبود (Stein, 1992: 9-10). در مورد بازدارندگی ایران نیز، رفتار پیچیده روسیه و چین در منطقه سبب می‌شود که تصور و درک ایران از اتحاد با این دو کشور در جهت تقابل با آمریکا با خوش‌بینی زیادی همراه باشد در حالی که نیت این دو کشور در مقابله با عملکرد آمریکا در خاورمیانه متفاوت است. به طور کلی، «بازدارندگی امیدی برای جلوگیری از درگیری و نوعی مذاکره و اقناع است که در صورت عدم درک و احترام به طرف مقابل، می‌تواند عواقب فاجعه باری را به همراه داشته باشد» (Ifft, 2007). در خاورمیانه با وجود هم‌افزایی فشارهای مختلف داخلی و خارجی، شرایط مناسبی برای انتقال پیام، عقلانیت و اقناع در اعتبار تهدید فراهم نبوده در نتیجه در این محیط ناآرام و بی‌ثبات، کنشگران از بازدارندگی به سمت درگیری‌های نیابتی و الزامات جنگ نامتقارن پیش رفته‌اند. در جنگ نامتقارن، کنشگران هویت‌گرا و همچنین قدرت‌های ضعیف در برابر هژمون، به ابتکار در قدرت و توان نامتقارن خود برای مقابله با تهدیدات دست می‌زنند. نه تنها بازیگران منطقه‌ای بلکه سایر قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه و چین تلاش دارند تا از مزیت نسبی قدرت خود و جنگ نامتقارن در خاورمیانه بهره‌گیرند. همان چیزی که می‌توان آن را جنگ سایه یا استراتژی چریکی دانست.

## ۷. نتیجه‌گیری

بحث و بررسی در مورد بازدارندگی، فراتر از در نظر گرفتن بازدارندگی به عنوان نوعی کنش ارتباطی بین دو یا چند کشور، توجه به مسائل زمینه‌ای را طلب می‌کند که باعث موفقیت یا

فرماندگی بازدارندگی در خاورمیانه می‌شود. این مقاله، ضمن توجه به تحولات بازدارندگی به چالش‌ها و فشارهای زمینه‌ای ناشی از محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بر بازدارندگی ایران پرداخته است. یکی از مهمترین تحولات بازدارندگی، منطقه‌ای شدن بازدارندگی و اهمیت یافتن اتحادها و موازنه در موفقیت یا شکست بازدارندگی نوین است. بر اساس یافته‌های تحقیق بارزترین فشار محیط منطقه از طرف اتحادهای شناور و نامنسجم خاورمیانه به دلیل مسائل اقتصادی و درگیری‌های هویتی است که امکان به کارگیری بازدارندگی ایران را پیچیده می‌کند. در این وضعیت، اتحاد منسجمی برای پشتیبانی بازدارندگی وجود ندارد. همچنین، در خاورمیانه تصور اتحاد بر این است که متحد در مسائل نظامی شرکت کند. در این وضعیت، ایران از یک طرف مجبور به دفاع از متحدان ضعیف خود در برابر مخاصمان منطقه‌ای است که این خود حتی نارضایتی‌هایی را در درون کشور ایجاد کرده و چالشی برای اعمال بازدارندگی است. از طرف دیگر، ایران سعی دارد تا دیگر بازیگران خارجی را در تقابل با آمریکا به حوزه نفوذ خود وارد کند که این نیز به دلیل وضعیت محیط بین‌المللی فشاری بر بازدارندگی ایران است. از آنجا که روسیه و چین در عرصه رقابت جهانی قادر و حتی مایل به درگیری با هژمونی آمریکا نیستند با در پیش گرفتن سیاست منطقه خاکستری به دنبال ثبات در سطح کلان بوده و بی‌ثباتی را به حوزه‌های محدودتری از جمله منطقه خاورمیانه منتقل می‌کنند تا از این طریق بتوانند امتیازاتی از هژمون گرفته و بنابراین قدرت خود را در همین سیستم بین‌المللی کنونی بالا ببرند. سیاست منطقه خاکستری بی‌ثباتی و ناامنی را در خاورمیانه بازتولید می‌کند. در این شرایط، هر اقدام بازدارنده ایران توسط آمریکا در قالب رقابت بزرگتر جهانی ادراک می‌شود، در حالی که بازدارندگی ایران هم پشتوانه قابل اعتمادی از طرف روسیه و چین ندارد. موارد مذکور سبب زیرسوال رفتن سه اصل شفافیت ارتباط، عقلانیت و اعتبار تهدید بازدارندگی در منطقه است. نادیده گرفتن این فشارها بازدارندگی را تبدیل به بهره‌گیری از الزامات جنگ نامتقارن کرده است. در این شرایط، استراتژی ایران به جای اینکه بازدارندگی نوین باشد صرفاً به عکس‌العملی در برابر عملکرد محیط منطقه‌ای و وضعیت بین‌المللی کاهش می‌یابد. همچنین، جمهوری اسلامی ایران از نظر اقتصادی در وضعیت ایده‌آلی قرار ندارد. بر این اساس، امکان اعمال بازدارندگی

چالش‌های پیش‌روی بازدارندگی ایران در خاورمیانه..... ۱۲۵ \_\_\_\_\_

نوین در ابعاد مختلف آن برای ایران سخت شده است. به راستی چطور می‌توان در شرایطی که محیط منطقه‌ای و بین‌المللی فشارهای زیادی بر محیط ملی وارد می‌کنند بازدارندگی را در تمامی ابعاد آن یعنی ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی اعمال کرد؟

#### ۸. قدردانی

نگارندگان از دانشگاه شهید بهشتی جهت فراهم نمودن شرایط لازم در به انجام رساندن این پژوهش تشکر و قدردانی می‌نمایند.

## References

1. Abbasi, E; Talebi, S (2016). Security model deterrence in the Strait of Hormuz and National Security of the Islamic Republic of Iran [https://qps.atu.ac.ir/article\\_4348.html](https://qps.atu.ac.ir/article_4348.html). **[In Persian]**
2. Adami, A; Keshavarz Moghadam, E (2014). Iran's Nuclear Deterrence Capabilities from Neorealist Perspective. *World Politics*, Volume 3, Number 1. **[In Persian]**
3. Ahmadian, H; Mohseni, P (2019). Iran's Syria strategy: the evolution of deterrence. *International Affairs*, Volume 95, Issue 2.
4. Bagheri Dolatabadi, A (2013). The Role of Deterrence in Iran's Military Strategy, *Defense Policy*, No. 85.
5. Baqeri, M; Yazdani, E (2018). A Study of IRI's Strategic Interests and Ends in Strategic Unity with Lebanese Hezbollah. *Islamic Revolution Studies*. Volume 15, Number 53. **[In Persian]**
6. Barno, D; Nora, B (2015). Fighting and Winning in the "Gray Zone". At: <https://warontherocks.com/2015/05/fighting-and-winning-in-the-gray-zone/>.
7. Bolan, Ch (2019). Iran and Saudi Arabia are locked in a security dilemma. Here are some potential ways out. At: <https://www.defenseone.com/ideas/2019/10/us-trying-restore-deterrence-gulf-wont-be-enough/160394/>.
8. Cerulli, R (2019). Russian Influence in the Middle East: Economics, Energy, and Soft Power. *American Security* .
9. Connell, M; Ryan, E (2015). Russia's "Ambiguous Warfare" and Implications for the U.S. Marine Corps. At: [www.cna.org](http://www.cna.org).
10. Davis, L; Martini, J; Kaye D (2011). Iran's Nuclear Future: Critical U.S. Policy Choices. At: <https://www.rand.org>.
11. Dehghani Firoozabadi, J (2009). Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Samt. **[In Persian]**
12. Eftekhari, Gh; Bagheri Dolatabadi, A (2011). Intensification of U.S Pressure and Iran's Propensity to Deterrence Strategy. *Politics Quarterly: Journal of Faculty of Law and Political Science* , Volume 40 , Number 4. **[In Persian]**
13. Elkus, A (2015). Abandon All Hope, Ye Who Enter Here: You Cannot Save the Gray Zone Concept. At: <https://warontherocks.com/2015/12/abandon-all-hope-ye-who-enter-here-you-cannot-save-the-gray-zone-concept/>.
14. Evron, Y (2012). Extended Deterrence in the Middle East. <https://doi.org/10.1080/10736700.2012.734186>.
15. Evron, Y (2008). An Israel-Iran Balance of Nuclear Deterrence: Seeds of Instability. <http://www.jstor.com/stable/resrep08946.6>
16. Findlater, E (2020). Islamic Republic of Iran's Strategic Culture and National Security Analysis. Available at: <https://smallwarsjournal.com/jrnl/art/islamic-republic-irans-strategic-culture-and-national-security-analysis>.
17. Ghasemi, F (2009). Theoretical imperatives of the Islamic republic of Iran's regional deterrence. *Foreign Relations*, Volume 1 , Number 3. **[In Persian]**

18. Ghasemi, F (2011). Implications of Regionalization and Expansion of Strategic Missile Systems for Deterrence in the New Global Order. *Defense Strategy*, Volume 9, Number 34. **[In Persian]**
19. Ghasemi, F; Malehmir, A (2013). The Impact Of Persian Gulf's Strategic Environment On I.R. Iran's Regional Deterrence System Plan. *Defense Strategy*, Volume 10 , Number 40. **[In Persian]**
20. Ghasemi, F (2007). Deterrence Model of Iran's Foreign Policy: A Theoretical Approach. *Geopolitics Quarterly*, Volume 3, Issue 7. **[In Persian]**
21. Ghasemi, F (2010). Geopolitical Model of Regional Security Case Study: the Middle East. *Geopolitics Quarterly*, Volume 6, Number 18. **[In Persian]**
22. Ghasemi, F (2011). *Theories of International Relations and Regional Studies*. Tehran: Mizan. **[In Persian]**
23. Golafruz, M (2015). Investigating the Geopolitical Role of Energy in the National Security of Iran. *World politics*, Volume 4, Issue 3. **[In Persian]**
24. Golshani, A; Bagheri, M (2012). The place of Lebanon Hezbollah in deterrence Strategy of Islamic Republic of Iran. *Political and International Scientific and Research Quarterly* , Volume 4 , Number 11. **[In Persian]**
25. Green, M; Hicks K; Zack C (2017). Center Deterrence Theory and Gray Zone Strategies. *Strategic and International Studies (CSIS)*. At: [https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs\\_public/publication/170505\\_GreenM\\_CounteringCoercionAsia\\_Web.pdf](https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs_public/publication/170505_GreenM_CounteringCoercionAsia_Web.pdf).
26. Hermberg, N (2016). The Danger of the Gray Zone: Flawed Responses to Emerging Unconventional Threats. At: <https://smallwarsjournal.com/jrnl/art/the-danger-of-the-gray-zone-flawed-responses-to-emerging-unconventional-threats>.
27. Ifft, E (2007). Deterrence, Blackmail, Friendly Persuasion. *Defense & Security Analysis*, vol. 23, issue 3.
28. Jamshidi, M (2012) Conventional Deterrence in Obama Administration's Defense Strategy Towards Islamic Republic of Iran. ,At: [http://www.ipsajournal.ir/article\\_195.html?lang=en](http://www.ipsajournal.ir/article_195.html?lang=en). **[In Persian]**
29. Jordet, N (2006). Explaining the Long-term Hostility between the United States and Iran. Available at: <https://www.nato.int/acad/fellow/98-00/jordet.pdf>.
30. Joukar, M; Bahareh S (2020). The Role of Regional Powers in Shaping the Middle East Security Order (2003 To 2011). *Geopolitics Quarterly*, Volume 16, Issue 59. **[In Persian]**
31. Karp, A (2001). Regional Perspectives: the Middle East. <https://www.jstor.org/stable/resrep09901.12>.
32. Katzman, K (2020). Iran's Foreign and Defense Policies. <https://fas.org/sfp/crs/mideast/R44017.pdf>.



33. Kazemi, H (2017). Identity Uprisings, Fragile States and Geopolitical Crises in the Middle East. *Geopolitics Quarterly*, Volume 13, Issue 45. **[In Persian]**
34. Koolae, E; Abedi, A (2018). Geopolitical Components of the Russian Foreign Policy. *Geopolitics Quarterly* Volume 14, Number 49. **[In Persian]**
35. Lanoszka, A (2016). "Russian Hybrid Warfare and Extended Deterrence in Eastern Europe", *International Affairs*.
36. Maher, N (2019). Balancing deterrence: Iran-Israel relations in a turbulent Middle East. <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/REPS-06-2019-0085/full/html>.
37. Long, A (2008). Department of Defense as Ministry of Fear: The Theory of Deterrence. RAND Corporation.
38. mahdian, h; Fakhri, S (2013). Iran's Energy Geopolitics and West Energy Security. *Human Geography Research Quarterly*. Volume 44, Issue 4. **[In Persian]**
39. Mallory, K (2018). New Challenges in Cross-Domain Deterrence. at: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE259.html>.
40. Mazarr, M (2018). Understanding Deterrence At: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE295.html>.
41. Mazarr, M (2015). Mastering the Gray Zone: Understanding a Changing Era of Conflict (Carlisle, PA: United States Army War College Press). At: <https://press.armywarcollege.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1427&context=monographs>.
42. Mcinnis, M (2016). Iranian Deterrence Strategy and Use of Proxies. [www.foreign.senate.gov](http://www.foreign.senate.gov).
43. Mcinnis, M (2016). Iran at War: Understanding why and how Tehran Uses Military Force. <http://www.jstor.com/stable/resrep03265.8>.
44. Mearsheimer, J (2014). "Why the Ukraine Crisis Is the West's Fault: The Liberal Delusions That Provoked Putin," *Foreign Affairs* 93, no. 5.
45. Miller, B (2018). Begin-Sadat Center for Strategic Studies How Iran Became the Dominant Power in the Middle East. At: <http://www.jstor.com/stable/resrep16878>.
46. Mitzen, J (2006). Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma. At: <https://journals.sagepub.com>.
47. Mohseni, S; Farhad Gh; Jamshidi, M; Soltaninejad, A (2019). The evolution of the global geopolitical structure and the unilateral deterrence of the United States (centered on Saudi Arabia). *Geopolitics Quarterly*, Volume 15, Issue 54 . **[In Persian]**
48. Mottaghi, E; et al., (2020). A Study of the United States Foreign Policy in the Middle East after 11 September (On the Basis of Aggressive Realism theory. political and international scientific and research quarterly, Volume 2 , Number 4.
49. Morgan, P (2003). Deterrence Now. Cambridge University Press. Available At: [www.foreign.senate.gov](http://www.foreign.senate.gov).

50. Mousavi, M A; Khodaei, E (2016). US – China Relations in the Persian Gulf: Cooperation or Confrontation. *Foreign Relations*, Volume 8, Number 1.
51. Nouri Fard, F (2007). Deterrence: A mechanism for dealing with asymmetric threats (a case study of US-Iran relations). At: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/69783/124/text>.
52. Payne, K.B (2003). Deterrence: A New Paradigm President, National Institute for Public Policy.
53. Pilat, J (2009). Nonproliferation, Arms Control and Disarmament, and Extended Deterrence in the New Security Environment. <https://www.hsdl.org/?view&did=33183>.
54. Rauschenbach, K (2020). Iran's entrenchment of strategic infrastructure in Syria threatens balance of deterrence in the Middle East. <https://www.criticalthreats.org>.
55. Rezaei, M (2015). Strategic displacement and the dilemma of uncertainty in the Middle East, visible in <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1962767>.
56. Rovner, J (2015). Dealing with Putin's Strategic Incompetence. At: <https://www.smu.edu/News/2015/joshua-rovner-WarOnTheRocks-14aug2015>.
57. Rozsa, E (2020). Deciphering China in the Middle East. URL: <https://www.jstor.org/stable/resrep25023>.
58. Rumer, E (2019). Russia in the Middle East. At: <https://www-jstor-org.ezp3.semantak.com/stable/pdf/resrep21000.11.pdf>.
59. Sarie'olghalam, M (2017). International System and Modern Geo-Politics in Middle East. *Journal of Political Science*, Volume 12, Number 1 (in Persian).
60. Shahraki, M; HasanRaji, M; Tusi, M (2019). Russia's approach to the Middle East security order (2018-2010). *political Science Quarterly*, Volume 15, Issue 48.
61. Simber, R; Hosseini, M (2016). Investigating the factors affecting the convergence and conflict between Russia and China in the post-Cold War era. *Central Asia and The Caucasus Studies*, Volume 22, Number 96. **[In Persian]**
62. Snyder, G (1960). Deterrence and Power. *The Journal of Conflict Resolution*, Vol. 4, No. 2
63. Soltaninejad, A; Zahrani, M; Shapoori, M (2013). The United States and Iran's nuclear program; Dismantling strategy and its tools. *Strategic Studies*, Year 16, Issue 1. **[In Persian]**
64. Stein, J (1987). Extended Deterrence in the Middle East: American Strategy Reconsidered. *World Politics*, Vol. 39, No. 3.
65. Stein, J (1992). Deterrence and Compellence in the Gulf, 1990-91: A Failed or Impossible Task?. *International Security*, Fall, 1992, Vol. 17, No. 2 (Fall, 1992), pp. 147-179
66. Talbot, B (2020). Getting Deterrence Right: The Case for Stratified Deterrence. *Journal of Strategic Security* Vol. 13, No1.
67. Tertrais, B (2009). Security Guarantees and Extended Deterrence in the Gulf Region: A European Perspective *Strategic Insights*. Volume VIII, Issue 5.

68. Tulak, A (2019). New Era of Deterrence. <https://ipdefenseforum.com>
69. Votel, J; Cleveland Charles T; Charles T (2016). Unconventional Warfare in the Gray Zone. At: <https://ndupress.ndu.edu/JFQ/Joint-Force-Quarterly-80/Article/643108/unconventional-warfare-in-the-gray-zone/>.
70. Watling, J (2019). Iran's Objectives and Capabilities Deterrence and Subversion. at: <https://rusi.org>
71. Wright, T (2015). China and Russia vs. America: Great-power revisionism is back. <https://www.brookings.edu>.
72. The view of the authorities of the Islamic Republic of Iran on deterrence; refer to: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=42738>.
73. <https://parstoday.com/dari/news/uncategorised-i38822>.
74. <https://www.ettelaat.com/mobile/?p=130154&device=phone>.
75. <https://www.farsnews.com/news/13980409000692>.
76. <https://www.mfa.ir/portal/newsview/33223>.
77. [www.farsnews.com/news/13980702000762](http://www.farsnews.com/news/13980702000762).